

گروسی:

ایران، آژانس را از تدابیر حفاظتی نسبت به ذخایر اورانیوم آگاه کرده بود



مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اعلام کرد ایران پیش از حملات اخیر، آژانس را از تدابیر حفاظتی خود نسبت به ذخایر اورانیوم غنی‌شده مطلع کرده بود.

به گزارش ایسنا، «رافائل گروسی» مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اعلام کرد که قبل از حمله آمریکا به تأسیسات هسته‌ای ایران، تهران آژانس را از اتخاذ «تدابیر حفاظتی» نسبت به ذخایر اورانیوم غنی‌شده خود آگاه کرده بود. گروسی همچنین اعلام کرد که این نهاد نمی‌داند حدود ۵۰۰ کیلوگرم اورانیوم بالقوه غنی‌شده ایران در کجا نگهداری می‌شود. او توضیح داد که مقامات ایرانی به او گفته‌اند اقدامات حفاظتی انجام داده‌اند، که ممکن است شامل جابه‌جایی این مواد باشد یا نباشد. گروسی افزود: «یک ابهام وجود دارد: این مواد کجاست؟ راه پاسخ به این سؤال، از سرگیری فعالیت‌های بازرسی در سریع‌ترین زمان ممکن است.»وی با تأکید بر اینکه برنامه نظارتی آژانس در ایران مختل شده، افزود:

«در هر صورت، دانش فنی و ظرفیت صنعتی در ایران وجود دارد و هیچ‌کس نمی‌تواند آن را انکار کند.» گروسی همچنین در واکنش به برخی گزارش‌ها مبنی بر اینکه برنامه هسته‌ای ایران تنها چند ماه به عقب رانده شده، گفت با این رویکرد که مدام تخمین‌هایی درباره مدت زمان باقی‌مانده برای دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای ارائه شود، موافق نیست؛ چراکه این‌گونه ارزیابی‌ها بیشتر به برداشت ناظران بستگی دارد تا واقعیت‌های فنی. مدیرکل آژانس همچنین تصریح کرد: «ایده من این است که دوباره با ایران وارد تعامل شویم. چرا این گفت‌وگو در وین انجام نشود؟» مدیر کل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در پاسخ به پرسشی درباره آغاز دوباره نظارت‌های آژانس بر تأسیسات هسته‌ای ایران، گفت که در حال حاضر روند نظارت‌ها مختل شده است. او با اشاره به حملات آمریکا و رژیم صهیونیستی به این تأسیسات، مدعی شد: «آوار زبانی وجود دارد و احتمال می‌رود که مهمات عمل‌نکرده هم وجود داشته باشد. شرایط نظارت، عادی نیست.»

بقائى:

کسی که از ظلم و بی‌عدالتی حمایت می‌کند، فاقد شرافت است



سخنگوی وزارت خارجه به پیام تبریک دبیرکل ناتو به ترامپ واکنش نشان داد.

به گزارش ایسنا، اسماعیل بقائی در پیامی در شبکه ایکس نوشت: این شرماور، نفرت‌انگیز و غیرمستولانه است که دبیرکل ناتو یک عمل تجاوزکارانه «واقعاً خارق‌العاده» علیه یک کشور مستقل را تبریک بگوید. کسی که از ظلم و بی‌عدالتی حمایت می‌کند، فاقد شرافت است.

کسی که از یک جنایت حمایت می‌کند، همدست و شریک جرم محسوب می‌شود.

دونالد ترامپ تصاویری از پیامک‌های شخصی مارک توتو در منتشر کرد که در آن دبیرکل ناتو از تصمیم رئیس جمهور ایالات متحده به منظور اجرای حملات تجاوزکارانه به تأسیسات هسته‌ای ایران تحسین کرده است. ظاهرا این پیامک‌ها که دونالد ترامپ تصویر آنها را در شبکه اجتماعی «تروث سوشال» منتشر کرد قبل از شروع اجلاس ۲۰ روزه سران ناتو در شهر لاهه هلند که از روز سه‌شنبه آغاز شده، فرستاده شده‌اند. طبق تصاویری که ترامپ از پیامک‌های رتو در صفحه تلفن همراه خودش گرفته، دبیرکل ناتو با اشاره به حملات ایالات متحده به تأسیسات هسته‌ای ایران نوشته است: «تبریک و تشکر از شما به خاطر اقدام قاطعان علیه ایران که واقعا فوق‌العاده بود و این کاری است که هیچ کس جرات انجامش را نداشت. این کار باعث شد همه ما امن تر شویم.»

اخبار

چرا ترامپ «ان پی تی» را قربانی اسرائیل کرد؟

تجاوز زیر سایه معاهده

حمله آمریکا به عضو رسمی پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT)، تلاشی برای جبران استیصال رژیم صهیونیستی بود؛ ترامپ برای نتایج تل‌آویو به قلب معتبرترین پیمان منع اشاعه شلیک کرد.

در ساعات اولیه بامداد یکشنبه یکم تیر، جهان با صحنه جدیدی از جنایت و تجاوزگری مواجه شد. حدود ساعت ۲ صبح بود که نیروی هوایی و دریایی آمریکا با استفاده از بمب‌افکن‌های رادارگریز B-۲ و موشک‌های تامهاوک، ۳ تأسیسات هسته‌ای ایران در نطنز، فردو و اصفهان را هدف قرار داد؛ عملیاتی که نه‌تنها بیابگر عبور از خطوط قرمز دیپلماتیک بود، بلکه نقطه پایانی بر توهمات مربوط به «نظم مبتنی بر قوانین» در نظام بین‌الملل به شمار می‌رفت.

این حمله که با هماهنگی تل‌آویو و با هدف کمک به رژیم صهیونیستی در اوج استیصال آن صورت گرفت، در شرایطی انجام شد که ایران همچنان عضو رسمی پیمان منع گسترش تسلیحات هسته‌ای است و تمامی فعالیت‌های هسته‌ای آن تحت‌نظارت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی انجام می‌شود. با این حال، آمریکا و رژیم صهیونیستی بدون مجوز سازمان ملل و بدون ارائه هیچ مدرک رسمی دال بر انحراف ایران از مسیر صلح‌آمیز، اقدام به هدف‌گیری یکی از معدود اعضای شفاف این رژیم حقوقی کردند!

اوج درمادنگی اسرائیل؛ چرا ترامپ مجبور به دخالت شد؟

به گزارش مهر اگرچه صبح سه‌شنبه سوم تیرماه میان ایران و رژیم صهیونیستی آتش‌بس برقرار شد اما این رژیم در روزهای ابتدایی جنگ با ایران، در پی حمله به زیرساخت‌های دفاعی و صنعتی ایران برآمد اما در دستیابی به اهداف راهبردی خود با شکست‌های عملیاتی متعددی مواجه‌شد.مهم‌ترین چالش، ناتوانی در انهدام تأسیسات زیرزمینی فردو بود؛ مرکزی که در عمق چندصد متری زمین، در برابر هر نوع بمب متعارف صهیونیستی مقاوم‌اند. در مقابل، شهرهای مختلف در اراضی اشغالی از تل‌آویو گرفته تا حیفا، عسقلان و غیره‌همواره زیر موشک‌های دقیق و قدرتمند ایران قرار داشت.

در پی این ناکام‌ها، نگرانی‌ها در تل‌آویو شدت گرفت. گزارش‌های اطلاعاتی موساد حاکی از آن بود که حملات محدود و غیرمؤثر این رژیم نه‌تنها باعث توقف برنامه‌های ایران نشده، بلکه انگیزه مضاعفی برای بازسازی سریع و حتی تسریع در غنی‌ساز شریک ایجاد کرده است. از سوی دیگر، بافقدن هوایی ایران نیز به‌سرعت خود را با موجه‌ای اولیه حملات وفق داد و عملیات اسرائیلی‌ها را ناکام گذاشت. در نتیجه، مقامات صهیونیستی‌به‌ویژه‌شخص «بنیامین نتانیاهو» نخست‌وزیر آن به این نتیجه رسیدند که بدون ورود مستقیم آمریکا، شکست در مواجهه با ایران حتمی است و تن دادن به آتش‌بس نیز مویده همین استیصال رژیم صهیونیستی بود.

نخست‌وزیر اسرائیل در هفته گذشته، از طریق مجاری دیپلماتیک، لابی‌های «آپیک» و گفت‌وگوهای مستقیم با مقامات آمریکایی، فشار سنگینی بر کاخ سفید وارد کرد. رسانه‌های نزدیک به لیکود نیز همزمان کمپینی آغاز کردند مبنی بر اینکه «اگر آمریکا عقب‌نشینی کند، اسرائیل مجبور به استفاده از گزینه‌های غیراستاندارد خواهد شد؛» جمله‌ای که در راستای فشار بر کاخ سفید ارزیابی می‌شد. در این فضا، ترامپ در tetگنای سختی قرار گرفت. وی از یک‌سو وعده داده بود که آمریکا را وارد هیچ جنگ نخواهد کرد و از سوی دیگر متحد راهبردی آمریکا در خاورمیانه آشکارا به لبه شکست نزدیک می‌شد.

در نهایت، مشاوران امنیت ملی و نظامی کاخ سفید تأکید کردند که اکنون آمریکا بهتر است به کمک صهیونیست‌ها برود. از منظر ژئوپلیتیک نیز، ادامهدار شدن جنگ فرسایشی بدون نتیجه برای رژیم اسرائیل به‌ویژه در انتخابات آتی آمریکا، می‌توانست بر تصویر

آتش‌بس یا استراحت بین دو حمله؟	

آتش‌بس اخیر میان ایران و اسرائیل، نه پایان خصومت بلکه مرحله‌ای گذرا در مسیر فشار حداکثری است. بررسی نقش ترامپ، انگیزه‌های تل‌آویو و توان بازدارندگی تهران، نشان می‌دهد که این آتش‌بس بیش از آنکه صلح‌آور باشد، بخشی از یک بازی بزرگ‌تر راهبردی است.

با آغاز حملات نظامی رژیم صهیونیستی به جمهوری اسلامی ایران و ورود علنی آمریکا به این صحنه، سطح تنش‌ها در منطقه به نقطه‌ای بی‌سابقه رسیده است. بررسی چگونگی حمایت دولت آمریکا از این درگیری، به‌ویژه در دوره دونالد ترامپ، می‌تواند تصویری روشن‌تر از پایداری یا ناپایداری آتش‌بس‌ها به‌دست دهد. گزارش ارائه شده با استناد به گفت‌وگوهای آبراک چوتینر از نشریه نیویورکر با آرون دیوید میلر، تحلیل‌گر سابقه‌ای آمریکایی و کارشناس بنیاد کارنگی، تلاش دارد ابدا راهبردی، روان‌شناختی و سیاسی رفتار آمریکا در این بحران را آشکار کند.

دولت ترامپ، اسرائیل و چرخه ناخواسته درگیری

به گفته میلر، گرچه ترامپ شخصاً تأملی به ورود به جنگی تمام‌عیار با ایران نداشت، اما فاقد راهبردی مشخص برای مهار این بحران بود. نتیجه آن شد که واشنگتن عملاً به سمت مداخله‌ای تدریجی کشیده شد. استقرار تجهیزات پیشرفته‌ای همچون جنگنده‌های F-۳۵F و سامانه‌های دفاع موشکی، به همراه بمب‌افکن‌های B-۲ و پشتیبانی

ترامپ به‌عنوان رهبر حامی صهیونیسم و نیز حزب جمهوریخواه، تأثیر منفی بگذارد. بدین ترتیب، تصمیم برای حمله مستقیم به تأسیسات حساس ایران، از نگاه ناظران، نه از سر اراده استراتژیک آمریکا بلکه محصول فشارهای انباشته رژیم صهیونیستی و محاسبات سیاسی داخلی ترامپ بود.

بنابراین، دخالت نظامی آمریکا بیش از آنکه نمایش قدرت ترامپ باشد، اعتراضی ضمنی به ناتوانی راهبردی رژیم اسرائیل در مقابله با ایران بود. واشنگتن وارد جنگی شد که شروع‌کننده آن نبود، اما بقای نظم منطقه‌ای مدنظرش را در معرض خطر می‌دید. مداخله ترامپ، بیش از هر چیز نشانه استیصال شریک دیرینه‌بود که دیگر به‌تنهایی قادر به حفظ بقای خود در منطقه نیست.

فروپاشی قاعده طلایی نظام منع اشاعه

حمله مستقیم ۲ بزرگرم هسته‌ای به تأسیسات اعلام‌شده و تحت نظارت آژانس یک کشور عضو پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای، بزرگ‌ترین ضربه به مشروعیت و فلسفه وجودی این پیمان از زمان تأسیس آن، در سال ۱۹۶۸ تاکنون وارد کرد. ایران نه‌تنها عضو رسمی پیمان ان‌پی‌تی است، بلکه تمامی فعالیت‌های هسته‌ای آن، مطابق با تعهدات بین‌المللی و تحت نظارت بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی صورت گرفته‌است.

با این حال، واشنگتن و تل‌آویو بدون ارائه هیچ سند رسمی یا تأیید آژانس مبنی بر انحراف ایران از مسیر صلح‌آمیز، تأسیسات صلح‌آمیز هسته‌ای آن را بمباران کردند. این اقدام نه‌فقط نقض آشکار حقوق بین‌الملل

بود، بلکه عملاً اصل اساسی تمایز میان فعالیت صلح‌آمیز و نظامی در پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای را بی‌اعتبار کرد.

مقامات ارشد ایران بلافاصله پس از حمله، ضمن محکومیت شدید این تجاوز، آن را «پایان عملی اعتبار ان‌پی‌تی دانستند. «اسماعیل بقایی» سخنگوی وزارت امور خارجه اعلام کرد: «از امروز هیچ کشوری در حال توسعه که عضو ان‌پی‌تی باشد، نمی‌تواند به وعده‌های این پیمان دلخوش کند، زیرا عضویت در ان‌پی‌تی

بازی روانی اسرائیل علیه ایران

اطلاعاتی از تل‌آویو، نشان‌دهنده تعهد عملی آمریکا به راهبرد مهار ایران است. حمایت سیاسی تمام‌قد ترامپ از نتانیاهو، باوجود مخالفت‌های داخلی، به تعمیق این نقش دامن زد. او کوشید تا با نمایش قاطعیت و همراهی بی‌قید و شرط، هم وجهه خود را حفظ کند و هم قدرت رهبری‌اش را در عرصه جهانی به رخ بکشد.

تدرید، محاصره یا همراهی؛ نقش دونا‌ته ترامپ در بحران

میلر معتقد است سیاست خارجی ترامپ بیش از آنکه مبتنی بر منافع بلندمدت باشد، از نگرانی‌های لحظه‌ای و ملاحظات وجهه شخصی تأثیر می‌پذیرد. هرچند روزنامه نیویورکتایمز از حالت «محاصره سیاسی» دولت آمریکا در برابر حملات اسرائیل سخن گفت، شواهد نشان می‌دهد که ترامپ می‌توانست عملیات را به تأخیر اندازد یا برای دیپلماسی زمان بخرد. اما چنین تصمیمی نگرفت. این عدم تمایل، بیش از آنکه ناشی از ناتوانی باشد، ریشه در انتخاب سیاسی داشت. ترامپ به‌رمغ آگاهی از مخاطرات درگیری، با نوعی همراهی ضمنی، در مسیر سیاست‌های تل‌آویو حرکت کرد و حتی در هدف قرار دادن تأسیسات فردو، به نقطه‌ای بی‌برگشت نزدیک شد.

بازدارندگی ایران و بی‌بست ستاریو‌های تغییر رژیم

به اعتقاد میلر، ایران با بهره‌گیری از توان موشکی، تجربه‌های عملیاتی و موقعیت ژئوپلیتیک، ظرفیت پاسخ به هرگونه حمله را دارد.

حمله آمریکا به عضو رسمی پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT)، تلاشی برای جبران استیصال رژیم صهیونیستی بود؛ ترامپ برای نتایج تل‌آویو به قلب معتبرترین پیمان منع اشاعه شلیک کرد.



بمباران زیرساخت‌ها اما نه دانش؛ قلب تپنده فناوری هسته‌ای ایران

برخلاف ادعای واشنگتن و تل‌آویو مبنی بر نابودی کامل زیرساخت‌های هسته‌ای ایران، واقعیت‌های میدانی و اظهارات رسمی مقامات جمهوری اسلامی ایران نشان می‌دهد که ساختار فنی برنامه هسته‌ای ایران همچنان پابرجاست و آسیب جدی به چرخه غنی‌سازی وارد نشده است. «محمد اسلامی» رئیس سازمان انرژی اتمی ایران، روز پس از حمله تأکید کرد: «هیچ‌یک از فعالیت‌های غنی‌سازی ما متوقف نشده و تأسیسات اصلی در نطنز و فردو عملی‌رغم هدف قرار گرفتن، قابلیت بازایی سریع دارند.» همچنین اعلام شد که ذخایر اورانیوم با غنای بالا و سانتریفیوژهای پیشرفته، در نقاط متعددی ذخیره‌سازی شده‌اند و بخش‌هایی از فرایند غنی‌سازی به‌صورت پراکنده و امن در کشور جریان دارد.

این واقعیت نشان‌دهنده آن است که ایران، در طول ۲ دهه فشار، موفق به عبور از مرحله وابستگی سخت‌افزاری به مرحله بومی‌سازی کامل شده است. امروز دانش غنی‌سازی در ایران نه در مراکز فیزیکی بلکه در زیرساخت علمی، انسانی و فناوریانه نهادهی شده‌است.

حتی تحلیلگران غربی نیز اذعان دارند که بمباران تأسیسات نمی‌تواند معادل نابودی برنامه هسته‌ای باشد؛ چراکه ایران توان بازسازی سریع و انعطاف‌پذیری عملیاتی را در بستر بومی ایجاد کرده است. این همان نقطه‌ای است که کشورهای مستقل در آن از «وابستگی فناوریانه» عبور کرده و به «بازدارندگی فناوریانه» می‌رسند؛ بازدارندگی‌ای که بدون نیاز به سلاح، قدرت بازایی و ادامه مسیر را تضمین می‌کند.

در نهایت، آنچه حمله مشترک آمریکا و رژیم صهیونیستی از آن پرده برداشت، نه قدرت آنها بلکه ناتوانی در مهار اراده ملی و فناوری بومی شده بود. برنامه هسته‌ای ایران اکنون به مرحله‌ای از بلوغ راهبردی رسیده که نه‌تنها توقف‌پذیر نیست بلکه با هر فشار خارجی، مستحکم‌تر و عمیق‌تر خواهد شد.

تجربه حمله به تأسیسات آرامکو در ۲۰۱۹ و احتمال هدف قرار دادن منافع آمریکا در منطقه، بخشی از این ظرفیت بازدارنده است. عین حال، هیچ‌یک از سه الگوی شناخته‌شده برای تغییر رژیم—چه از نوع مردمی، چه نظامی و چه اشغال مستقیم، در مورد ایران قابل پیاده‌سازی نیست. بنابراین، حتی حملات سنگین نیز منجر به نابودی برنامه هسته‌ای یا تغییر ساختار سیاسی ایران نخواهد شد.

آتش‌نای پایدار؛ ابزار در راهبرد فشار حداکثری

از نگاه میلر، هدف اصلی نتانیاهو محدودسازی برنامه هسته‌ای ایران نیست، بلکه هدف نهایی، تغییر ماهیت نظام سیاسی جمهوری اسلامی است. به همین دلیل، حتی اگر آتش‌بس‌هایی موقت میان طرفین برقرار شود، نمی‌توان آن را پایان بحران یا کاهش خصومت تلقی کرد. بلکه این آتش‌بس‌ها بخشی از بازی بزرگ‌تری هستند که با هدف استمرار فشار و بی‌ثبات‌سازی طراحی شده‌اند. در این شرایط، تداوم بازدارندگی موشکی، بهره‌بردار ی هوشمندانه از فرصت‌های دیپلماتیک و ایستادگی در برابر تهدیدات خارجی، کلید تضمین امنیت ملی و حفظ منافع استراتژیک ایران خواهد بود. آتش‌بس فعلی، اگرچه گامی به‌ظاهر آهسته‌آهسته است، اما به‌تنهایی تضمینی برای صلح پایدار نیست و برای مقابله با چارچوب دیپلماتیک واقعی، بیش از آنکه نتیجه اجماع باشد، حاصل توازن موقت تهدید است.

اخبار

پیام ایران به جنگ‌طلبان:

منطق جنگ شکست خورده، به دیپلماسی بازگردید



نمایندگی ایران در سازمان ملل در نیویورک اعلام کرد که منطق تهدید، ارباب و استفاده از نیروی نظامی برای وادار کردن ایران به کنار گذاشتن برنامه هسته‌ای صلح‌آمیزش، شکست خورده است.

به گزارش ایسنا، نمایندگی ایران در سازمان ملل در نیویورک در پیامی در شبکه ایکس نوشت: منطق تهدید، ارباب و استفاده از نیروی نظامی برای وادار کردن ایران به کنار گذاشتن برنامه هسته‌ای صلح‌آمیزش، پس از شکست اخیر جنگ‌طلبان، حتی بی‌فایده‌تر شده است. منطق جنگ شکست خورده است؛ به منطق دیپلماسی بازگردید.

کالاس درباره مشروعیت حملات آمریکا به تأسیسات هسته‌ای ایران ابراز تردید کرد



مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا درباره مشروعیت حملات ایالات متحده علیه تأسیسات هسته‌ای ایران ابراز تردید و تصریح کرد که هرگونه استفاده از زور باید مطابق با قواعد حقوق بین‌الملل باشد.

به گزارش ایرنا، کایا کالاس که برای شرکت در نشست ناتو (پیمان آتلانتیک شمالی) به لاهه سفر کرده است، در گفت‌وگو با شبکه بی‌بی‌سی ادعا کرد که درباره حملات ایالات متحده به تأسیسات هسته‌ای ایران نمی‌توان به طور مطلق اظهارنظر کرد اما «هر کسی که از زور استفاده می‌کند، باید توجه کند که این اقدام مطابق با حقوق بین‌الملل انجام شده‌است».

وی ادامه داد که این حملات ممکن است به‌طور موقت برنامه هسته‌ای ایران را متوقف کرده باشد، اما این اقدام دانش فنی (know-how) ایران را از بین نبرده است. کالاس تأکید کرد که همین موضوع نشان می‌دهد «راه‌حل دیپلماتیک همچنان ضروری است.» مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا سپس با تکرار ادعاهای حقوق بشری و حمایت ادعایی ایران از روسیه در جنگ اوکراین گفت که مسائل حل‌نشده دیگری میان غرب و تهران باقی مانده که «باید درباره همه این مسائل گفت‌وگو کنیم». در روزهای اخیر، فشارها و تردیدها در محافل سیاسی و رسانه‌ای غرب درباره مشروعیت حملات نظامی صورت گرفته علیه تأسیسات هسته‌ای ایران افزایش یافته است. رژیم صهیونیستی روز ۲۳ خردادماه با نقض آشکار حقوق بین‌الملل و حاکمیت ملی جمهوری اسلامی ایران، مناطقی در تهران و برخی دیگر از شهرها از جمله تأسیسات هسته‌ای کشور را هدف حمله نظامی قرار داد. در این اقدام تروریستی، شماری از دانشمندان، نظامیان و شهروندان غیرنظامی به شهادت رسیدند.

در ادامه این تجاوز، ایالات متحده آمریکا نیز بامداد یکشنبه (اول تیرماه) با حمله مستقیم به سایت‌های هسته‌ای فردو، نطنز و اصفهان، عملاً به جنگ رژیم صهیونیستی علیه ایران پیوست. در واکنش به این اقدامات، سید عباس عراقچی وزیر امور خارجه کشورمان با استناد به ماده ۵۱ منشور ملل متحد تأکید کرد که جمهوری اسلامی ایران کلیه گزینه‌ها را برای دفاع از منافع ملی و امنیت مردم خود محفوظ می‌داند. رئیس‌جمهور آمریکا روز گذشته مدعی توافق آتش‌بس میان ایران و رژیم صهیونیستی شد. جمهوری اسلامی ایران هم با بیان اینکه آغازگر جنگ نبوده است تصریح کرد که اگر رژیم اسرائیل تهاجم غیرقانونی خود را متوقف کند، ایران نیز قصدی برای ادامه پاسخ ندارد.

در همین پیوند شورای عالی امنیت ملی در بیانیه‌ای تأکید کرد: نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران بدون کمترین اعتماد به سخنان دشمنان و دست به ماشه، آماده پاسخ قاطع و ویشمان‌کننده به هر عمل تجاوزکارانه دشمن خواهند بود.



از ۱۰۰۰۰ کودک دیگر در ماه‌های آینده دچار سوء تغذیه شدید شوند. از سوی دیگر اگر فشار بر غزه ادامه یابد، ممکن است گروه‌های جوان جنبش‌های مقاومت، از جمله جهاد اسلامی و گروه‌های جدید، افزایش یابد.

همچنین اگر این آمارها و گزارش‌ها به‌طور مستند در دیوان کیفری بین‌المللی (ICC) مطرح شوند، ممکن است منجر به تحقیق بین المللی شود.

همزمان با جنگ اسرائیل علیه ایران غزه در آتش و خون غرق شد

نسل‌کشی در سایه

قوانین بین‌المللی چه نگاهی درباره وضعیت غزه دارند؟

ماده ۲منشور ملل متحد، استفاده یا تهدید به زور علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی کشورها را ممنوع می‌کند. اما حملات اسرائیل به خاک فلسطین بدون مجوز شورای امنیت، این ماده را زیر پا گذاشته است.کنوانسیون‌های ژنو، پروتکل الحاقی اول نیز الزام به تمایز بین اهداف نظامی و غیرنظامی را دارد. هدف قرار دادن مراکز توزیع غذا، که غیرنظامی محسوب می‌شوند، نقض این پروتکل است.

این درستی است که برابر قانون اختیارات جنگی (۱۹۴۸ War Powers Resolution)، رئیس‌جمهور آمریکا را ملزم می‌کند ظرف ۴۸ ساعت از اعزام نیرو به گنگره اطلاع دهد. اما در مورد اسرائیل، این قانون به‌صورت غیرمستقیم مطرح است؛ آمریکا، با حمایت نظامی از اسرائیل، ممکن است به طور غیرمستقیم در نقض حقوق بین‌المللی مشارکت کند.

در همین حال، ماده ۸ دیوان کیفری بین‌المللی (ICC)، حملات عمدی به غیرنظامیان را «جنایت جنگی» تعریف می‌کند. اگر این اقدامات اسرائیل ثابت شود، می‌تواند به‌عنوان جنایت جنگی در دیوان کیفری بین‌المللی مطرح شود.

چه آینده ای در انتظار غزه است؟

اگر اسرائیل این الگوی حمله به مراکز توزیع کمک را ادامه دهد، ممکن است بیش

پروتکل الحاقی اول کنوانسیون‌های ژنو (۱۹۴۷) است. ماده ۵۴ این پروتکل، اجازه نمی‌دهد تأسیسات بشردوستانه هدف قرار گیرند، مگر اینکه به‌طور مشخص به عنوان پناهگاه نیروهای نظامی استفاده شوند. اما تاکنون، هیچ مدرکی از حضور نظامی حاسب در این مراکز ارائه نشده است.

شدت گرفتن بحران انسانی در غزه

۵۰۰۰ کودک فلسطینی در ماه گذشته بستری شده‌اند طبق گزارش آژانس امداد و کار سازمان ملل متحد (UNRWA)، که نیویورک تایمز آن را بازتاب داد:بیش از ۵۰۰۰ کودک فلسطینی در ماه گذشته به دلیل سوء تغذیه شدید بستری شده‌اند. این عدد نسبت به ماه قبل (آوریل ۲۰۲۵) حدود ۵۰٪ و نسبت به فوریه ۲۰۲۵ حدود ۱۵۰٪ افزایش داشته است. این بحران، از منظر سازمان جهانی بهداشت(WHO)، به یک بحران فراموش‌شده تبدیل شده است. نیویورک تایمز نوشت: «در حالی که دنیا به ایران و اسرائیل نگاه کرده، غزه در حال مردن است». این موضوع، نه‌تنها نقض حق دسترسی به غذا و بهداشت است، بلکه نقض حق زندگی نیز محسوب می‌شود.

چه آنکه سی ان ان نیز در گزارشی درباره وضعیت غزه، گزارش داد که تعداد کشته‌شدگان در صف‌های غذایی، در مقایسه به سال‌های اخیر، بی‌سابقه است. این شبکه از دولت‌های غربی خواسته است که «به این بحران پایان دهند».روترز نیز گزارش داد که اسرائیل بدون ارائه شواهد، یکی از مراکز توزیع غذا در رفح را هدف قرار داد. این مرکز، محل جمع‌آوری کمک‌های اسلام‌آباد، قطر و عربستان بوده است.

در حالی که توجه رسانه‌های جهان به جنگ میان ایران و اسرائیل بود، در غزه، صدها تن زیر آوار و در صف‌های توزیع غذا کشته می‌شوند.

تأیید رسانه‌های آمریکایی، از جمله نیویورک تایمز، بی‌بی‌سی و رويترز، در هفته‌های اخیر، ۲۵۴ شهید فلسطینی در مراکز توزیع کمک‌ها کشته شدند و بیش از ۳۴۶۶ تن زخمی شدند. همچنین، ۵۰۰۰ کودک فلسطینی در ماه گذشته به دلیل سوء تغذیه شدید بستری شده‌اند. رقمی که نسبت به ماه قبل ۵۰٪ و نسبت به دو ماه قبل ۱۵۰٪ افزایش داشته است.

چه آنکه در ماه‌های اخیر، بحران انسانی در غزه به اوج خود رسیده است. با وجود محاصره ادامه‌دار، کمبود غذا و آب، و حملات نظامی اسرائیل، مردم غزه در صف‌های توزیع کمک‌ها زندگی خود را در دست می‌دهند. این موضوع، با واکنش‌های گسترده‌ای از سوی رسانه‌های آمریکایی همراه بوده است.

کشتار کودکان و زنان در غزه

طبق گزارش الجزیره (۲۸ خرداد ۱۴۰۴)، ۴۵۲ شهید فلسطینی در مراکز توزیع کمک‌ها در هفته‌های اخیر کشته شده‌اند و ۳۴۶۶ نفر دیگر نیز زخمی شده‌اند.

این آمار، بیشترین تلفات در مراکز توزیع کمک از زمان آغاز جنگ در اکتبر ۲۰۲۳ است. این مراکز، که تحت مدیریت سازمان‌های بین‌المللی مانند «کمیته امدادرسانی و کارایی سازمان ملل برای اورگان فلسطینی» (UNRWA) قرار دارند، هدف حملات هوایی اسرائیل قرار گرفته‌اند.

این حملات، با وجود ادعای اسرائیل مبنی بر «هدف‌گیری نظامی»، نقض واضح